

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

بهرام رحمانی
۲۸ می ۲۰۱۵

نمایشگاه بین المللی کتاب تهران یا مرکز سانسور و تفتیش عقاید!

۲

مدت زمان مطالعه ایرانیان

آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد. اما چند سال پیش اعلام شد که سرانه مطالعه در ایران ۲ دقیقه در سال است! همان زمان دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی اعلام کرد که نخیر آمار مطالعه در ایران ۷۹ دقیقه در روز است! که البته در این میزان، سرانه مطالعه کتب درسی، کتب ادعیه، قرآن، صفحات مجازی و هر چیزی که به خواندن ربط داشته باشد، لحاظ شده بود. البته هیچ وقت گفته نشد که این آمار چطور و با چه روش آماری و طی انجام چه مراحل به دست آمده است. اعتراض‌هایی به این آمار شد که چند دقیقه‌ای از آن را کم کرد و بالاخره اعلام شد آمار سرانه مطالعه ۷۵ دقیقه و ۳۴ ثانیه محاسبه شده که ۱۵ دقیقه و ۱۷ ثانیه مربوط به کتاب، ۲۱ دقیقه و ۳۱ ثانیه برای قرآن و ادعیه، ۳۲ دقیقه و ۳۶ ثانیه روزنامه و پنج دقیقه و ۴۲ ثانیه به نشریه خوانی اختصاص پیدا کرده است که هر دو فضای مجازی و فزیک را شامل می‌شود. حالا نکته مهم این است که «سرانه مطالعه» یک شاخص جهانی است که تعریف مشخص و دقیق دارد. با این تعریف، این شاخص تنها مطالعه کتاب (آن هم از نوع غیردرسی) را شامل می‌شود؛ یعنی نه مطبوعات، نه سایت‌های اینترنتی و مجازی که در این سرانه همه این موارد اعمال شده بود!

یک سال گذشت در طول این مدت سرانه‌های مختلفی اعلام شد و یک بار ۱۵ دقیقه هم در این بین دیده می‌شد و مسئولان از ۷۹ دقیقه کوتاه آمدند و گفتند سرانه مطالعه ایرانی‌ها حداقل ۱۸ دقیقه و ۴۷ ثانیه است! که با یک حساب سر انگشتی و نگاهی به دور و برمان می‌توانیم قضاوت کنیم که این آمار هم نمی‌تواند نشان‌دهنده وضعیت امروز ما باشد.

طبق آمارهای جهانی، امریکائی‌ها ۲۰ دقیقه، انگلیسی‌ها ۵۵ دقیقه و جاپانی‌ها ۹۰ دقیقه از وقت خود را در شبانه روز به مطالعه کتاب اختصاص می‌دهند. بر این اساس آماری که از سرانه مطالعه کتاب در ایران در کنار تمام نوسانات عددی (از ۲ دقیقه به ۱۵ دقیقه و آخرش ۱۸ دقیقه رسید) تا حالا ارائه شده است، نشان می‌دهد که ایرانیان تقریباً به میزان امریکائی‌ها به مطالعه کتاب علاقه‌مند هستند.

مردم ایسلند در سال، ۴۰ کتاب می‌خوانند که بعد از کشور فنلاند با خواندن ۴۷ کتاب در سال، بیش‌ترین مردم کتاب‌خوان را دارند و هر ۱۰ شهروند ایسلندی در طول زندگی خود یک کتاب تألیف می‌کنند که بر اساس این آمار ایسلند، بزرگترین کشور تولیدکننده نویسنده در جهان محسوب می‌شود. اگر این نکته را مدنظر داشته باشیم که فقط

۱۰۰ هزار نفر در «ریکیاویک» پایتخت ایسلند زندگی می‌کنند به این نتیجه می‌رسیم که ۱۰ هزار نویسنده در این شهر وجود دارد و خرید کتاب در ایسلند بیش از دیگر کشورهای دنیاست.

بر اساس گزارش یونسکو، جاپان از نظر عادت به کتابخوانی جایگاه نخست را در جهان دارد و ۹۱ درصد مردم این کشور به طور معمول کتاب، روزنامه و مجله می‌خوانند؛ برای مثال یک جاپانی در سال بین ۴۶ تا ۴۷ کتاب می‌خواند و ۶۵ درصد مردم کوریای جنوبی نیز عادت به مطالعه دارند.

مقایسه سرانه مطالعه ایران و کشورهای دیگر، نشان می‌دهد مهم‌ترین انگیزه‌ای که باعث می‌شود ایرانی‌ها سراغ کتاب نروند بی‌نیازی از مطالعه و حس دانایی کل بودن است.

گذشته از این آیا می‌شود مثلاً درس خواندن را جزء مطالعه روزانه به حساب آورد؟ کلاً میزان استقبال از کتاب به چه عواملی بستگی دارد و در کدام دوره‌ها شاهد افزایش این علاقه یا کم شدنش هستیم؟

طبق همین آمار سرانه کتابخوانی در ایران از دو دقیقه تا ۷۶ دقیقه متغیر است. در سال ۱۳۸۷، علی اکبر اشعری رئیس کتابخانه ملی ایران، سرانه مطالعه برای هر نفر را دو دقیقه در شبانه‌روز اعلام کرد که با افزودن کتاب‌های درسی برای برخی از افراد در شبانه‌روز به حدود ۶ دقیقه می‌رسد، اما همان زمان محمد سالاری مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و مطالعات فرهنگی و کتابخوانی گفته بود آمار قدیمی ۲ دقیقه در روز که همه جا گفته می‌شود و به آن استناد می‌کنند، سیاه‌مانی است و آمار واقعی ۱۲۰ دقیقه است!

سال ۸۱ هم مرکز پژوهش‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۲۸ استان را بررسی کرده و اعلام کردند سرانه مطالعه ایرانی‌ها ۷ دقیقه در روز است. در بین این همه آمارهای ضد و نقیض، سازمان ملی جوانان هم آمار جداگانه‌ای منتشر کرد. اسحاقی معاون مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان اعلام کرد: ۷۶ درصد از جوانان، روزانه کمتر از ۳۰ دقیقه مطالعه می‌کنند. سازمان برای به دست آوردن این آمار، یک پژوهش بین ۱۲۰ نفر اهل قلم انجام داده است. کارشناسان سازمان، می‌گویند ۴۶ درصد از جوانان هر روز بین ۴ تا ۳۰ دقیقه مطالعه می‌کنند، ۳۰ درصد آن‌ها کمتر از ۴ دقیقه در روز مطالعه می‌کنند، ۱۳ درصد تا یک ساعت مطالعه می‌کنند، ۷ درصد یک تا ۲ ساعت و فقط ۴ درصد باقی‌مانده هستند که بیش‌تر از ۲ ساعت در روز کتاب می‌خوانند.

ارائه آمار متناقض ادامه پیدا کرد تا این که منصور واعظی دبیر شورای فرهنگ عمومی در سال ۸۸، سرانه مطالعه در ایران را ۱۸ دقیقه اعلام کرد و در آخرین اظهار نظر خود سرانه مطالعه در ایران را ۷۹ دقیقه در روز اعلام کرد. گرچه آمار سرانه مطالعه در سال‌های اخیر در جهان رو به کاهش گذاشته است اما فاصله سرانه مطالعه در کشور ما در مقایسه با آن بسیار تأمل برانگیز است.

به رقم همه گیر شدن اینترنت در جهان و کاهش سرانه کتابخوانی به دلیل جذب روزافزون مخاطب به فضای مجازی اما آمار سرانه کتابخوانی در جاپان ۹۰ دقیقه، انگلستان ۵۵ دقیقه، امریکا ۲۰ دقیقه و مالیزیا ۵۵ دقیقه در روز بوده است. چنین آماری در قیاس با آمار ۲ دقیقه‌ای در ایران فاجعه محسوب می‌شود.

دلایل متعددی در رابطه با عدم کتابخوانی ایرانیان مطرح است. خبرگزاری ایسنا، سال گذشته با ارائه نتایج یک نظرسنجی از مخاطبان خود اعلام کرد که تنبلی دلیل اصلی کتاب نخواندن ایرانیان است. شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی با موضوع «دلیل پائین بودن میزان مطالعه کتاب را در کشور چه می‌دانید؟»، از بین چهار گزینه «کیفیت پائین آثار»، «گرانی کتاب‌ها»، «ممیزی آثار» و «تنبلی افراد» را عامل اصلی پائین بودن سرانه کتابخوانی در ایران دانستند و در رتبه‌های بعدی به «گرانی کتاب‌ها»، «ممیزی آثار» و «کیفیت پائین آثار» رأی دادند.

در این نظرسنجی که روی سایت ایسنا انجام شد، ۱۳ هزار و ۳۹۵ نفر شرکت کردند و نتیجه نیز به این شرح است: تنبلی افراد: ۴۶/۵۴ درصد؛ گرانی کتابها: ۲۲/۹۳ درصد؛ ممیزی آثار: ۲۱/۴۹ درصد؛ کیفیت پائین آثار: ۹/۵۹ درصد.

نکته جالب توجه و قابل تأمل در نتیجه این نظرسنجی آن است که، سهم قابل توجه گزینه «ممیزی آثار» در کم کتاب خواندن افراد تقریباً همپای «گرانی کتابها» پیش آمده است.

حال نکته اینجا است که با این تفاسیر و آمارها برخی می‌گویند که اگرچه سرانۀ مطالعه کتاب در ایران کم است اما اکثر ایرانیان به جای خواندن کتاب، اینترنت خوانی می‌کنند و برای اثبات این ادعا استناد به شمار ایرانیانی می‌کنند که در فضای مجازی حضور دارند.

البته جای هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد که زندگی در عصری که آن را عصر ارتباطات و اطلاعات می‌نامند غافل بودن از آن نشان از عقب ماندگی می‌دهد اما سوال این جاست که آیا ۴۵ میلیون نفر ایرانی در فضای مجازی در حال مطالعه هستند؟

شاید با قری جست و جو در همین فضای مجازی پاسخ گفتن به این سوال آسان‌تر باشد. آمارها نشان می‌دهد که در نیمه دوم سال ۱۳۹۱، ۵۹/۵ درصد از مردم کشور به اینترنت دسترسی داشته‌اند که از میان بیشترین استفاده از اینترنت سهم اتصال گوشی‌های موبایل بوده است. براساس این آمار از کل درصدی که به اینترنت دسترسی داشته‌اند ۳۶/۴۴ درصد از کاربران از اینترنت موبایلی برای اتصال به دنیای مجازی بهره گرفته‌اند.

مرکز الکسا رتبه پایگاه اینترنتی ارائه‌دهنده خدمات وایبر بین سایت‌های محبوب ایرانی را ۷۲۰ و رتبه جهانی آن را ۵ هزار و ۲۵۲ معرفی کرده است. با همین رتبه Alexa توضیح داده است که ایرانی‌ها بزرگترین گروه مخاطبان وایبر را در جهان تشکیل می‌دهند و به عبارت دیگر، بزرگترین گروه اعضای وایبر ایرانی هستند. در بررسی‌های این مرکز امتیازدهی اینترنتی اعلام شده است که ۱۴ درصد از تمام مشترکان سرویس پیام‌رسان وایبر ایرانی هستند و پس از آن هندی‌ها و امریکایی‌ها به ترتیب با ۷/۸ درصد و ۷/۶ درصد قرار گرفته‌اند.

یکی دیگر از شبکه‌های اجتماعی مورد علاقه ایرانیان به گفته مرکز الکسا فیس‌بوک است که حضور ایرانیان در آن نیز چشمگیر است. الکسا (Alexa) به عنوان یکی از معتبرترین مراکز امتیازدهی به سایت‌های اینترنتی جهان فیس بوک را صدوشصت و پنجمین سایت محبوب برای کاربران ایرانی می‌داند و مرکز Innovation Is Everywhere نیز اعلام کرده است ۸۳/۲ میلیون مشترک تیلوفن همراه در ایران وجود دارد، ضریب نفوذ اینترنت در کشور ۵۵ درصد است، ۵۸ درصد کاربران اینترنتی ایران عضو فیس بوک هستند و از آنجائی که فیس‌بوک در ایران فیلتر است، سیستم تبلیغات هوشمند این شبکه اجتماعی کاربران ایرانی را مورد هدف قرار نمی‌دهد. با این وجود گفته می‌شود ۴ میلیون ایرانی در فیس‌بوک عضو هستند.

علاوه براین مرکز Annenberg بر اساس مطالعه خود دریافته است که ۵۹ درصد کاربران ایرانی روزانه چند بار سراغ صفحه شخصی خود در فیس‌بوک می‌روند، ۲۷ درصد روزی یک بار این کار را انجام می‌دهند و ۶ درصد هم در طول هفته ۳ تا ۵ بار به این شبکه اجتماعی سر می‌زنند. همچنین گفته شد ۳۲ درصد این افراد در طول هفته بیش از ۱۰ ساعت را به حضور در فیس‌بوک اختصاص می‌دهند، ۱۹ درصد هفته‌ای ۵ تا ۱۰ ساعت در فیس‌بوک حضور می‌یابند و ۱۸ درصد هم یک تا ۳ ساعت از هفته خود را صرف گشت وگذار در فیس‌بوک می‌کنند.

مرکز Alexa اعلام کرده است که هم‌اکنون ۵ میلیون ایرانی در WhatsApp عضو هستند و البته با توجه به این که روزانه یک میلیون کاربر جهانی به مجموع مشترکان این ابزار اضافه می‌شود، پیش‌بینی شده است که به همین نسبت بر تعداد ایرانی‌های فعال در WhatsApp هم افزوده شود.

حال این آمار نشان می‌دهد که بیش‌تر حضور ایرانیان در فضای مجازی تنها برای خواندن کتاب‌های اینترنتی و یا مطالب علمی نیست، بلکه اکثر فعالیت ایرانیان در اینترنت صرف گپ‌زدن و گفت و گوهای مجازی می‌شود. به علاوه سرعت اینترنت در ایران، بسیار پایین و کسالت‌آور است. با این حال اما نباید از آن دسته از افراد نیز غافل بود که سهم بسزائی در کتاب و کتابخوانی حتی به صورت اینترنتی در ایران دارند.

این در حالیست که در سال‌های دهه سی و چهل که جمعیت کشور چیزی حدود ۳۰ میلیون نفر و کمتر بود و با توجه به درصد پائین افراد با سواد سرانۀ مطالعه و تیراژ کتاب‌ها به نسبت بسیار بیش‌تر از امروز بود.

برخی گرانی کتاب، نداشتن وقت، ممیزی شدن کتاب‌ها و دلایلی از این دست را عامل افت تیراژ کتاب‌ها می‌دانند سؤال این است که آیا این دلایل تا چه اندازه می‌توانند در کاهش آمار مطالعه نقش ایفاء کنند؟

نگاهی به قیمت پشت جلد کتاب‌های نمایشگاه می‌تواند یک ارزیابی کوتاه، اما نسبتاً مطمئن نسبت به رشد قیمت کتاب‌ها را در اختیار مخاطبان قرار دهد. به نظر می‌رسد قیمت پشت جلد کتاب‌ها با رشد ۳۰ تا ۵۰ درصدی رو به رو بوده است.

این رشد قیمتی در کتاب‌های چاپ دوم کمتر است. اما قیمت‌های ناشران بخش خصوصی تقریباً در مقایسه با سال گذشته ۵۰ درصد رشد داشته است که از بالا رفتن هزینه‌های تولید در این بخش خبر می‌دهد. بنابراین، در نگاه نخست، افزایش قیمت کتاب است که به کاهش تیراژ آن انجامیده است. اما چرا افزایش قیمت کتاب باعث کاهش تیراژ آن شده است؟ به این دلیل روشن که عمده خریداران کتاب در آمدشان کاهش یافته و نمی‌توانند مثل سابق بخشی از درآمد خود را به خرید کتاب اختصاص دهند.

کتاب به عنوان کالا علاوه بر ارزش استفاده، ارزش مبادله هم دارد. اما خود ارزش مبادله کتاب ما را به چیز دیگری می‌رساند و آن ارزش است، یعنی مقدار کاری که صرف تولید کتاب شده است. از عرصه تولید کتاب وارد عرصه فروش آن شدیم تا به پول برسیم؛ از ارزش مبادله تا به ارزش برسیم.

خرید و فروش نیروی کار بدین معناست که موضوع این معامله یک کالای زنده است، و مصرف یک کالای زنده، یعنی مصرف توان جسمی و فکری انسان، خلاف مصرف تمام کالاهای دیگر، ارزشی بیش از آنچه صرف آن شده است، تولید می‌کند.

عرصه تولید کتاب در ایران، هم به دلایل اقتصادی و هم به علل فرهنگی، عرصه‌ای است که در آن نرخ ارزش اضافی به مراتب پائین‌تر از نرخ ارزش اضافی در عرصه‌های اقتصادی دیگر است و سرمایه به راحتی از آن جا به جاهای دیگر نقل مکان می‌کند.

چند سال پیش، که کاغذ دو نرخ داشت، تولید کتاب به چنان وضعیت فلاکت باری افتاد که برخی ناشران به جای آن که سهمیه کاغذ خود را صرف تولید کتاب کنند آن را در بازار آزاد می‌فروختند، زیرا سود فروش کاغذ از سود تولید کتاب بیش‌تر بود. مهاجرت سرمایه از یک عرصه اقتصادی به عرصه دیگر برای کسب ارزش اضافی بیش‌تر، قانون تمام جوامع سرمایه‌داری است.

این دلایل واقعی‌اند اما اصلی نیستند. اما به نظر من سانسور، فقر اقتصادی و عدم سنت کتاب خوانی دلایل اصلی این مسأله هستند.

ادامه دارد